



Typology of Stamp Seals from Tepe Hissar, Damghan

Rouhollah Yousefi Zoshk and Parisa Nekouei

Abstract

Among the most prominent features of the Chalcolithic period is the production and use of stamp seals. Seals are significant finds in archaeological studies and excavations, possessing importance beyond their structural, physical, and typological characteristics. Their origin, use, artistic, and cultural values are crucial; they are considered authentic documents in the historical and cultural reconstruction of prehistoric societies. As a primary tool of administrative management, seals are a hallmark of complex prehistoric societies, evidencing the oversight of social groups over political, social, and economic affairs. Among the artifacts discovered during the excavations of Tepe Hissar, excavated in the 1930s under the direction of Erich Schmidt, a significant number of stamp seals dating back to the Chalcolithic period were found. The stamp seals of Tepe Hissar are important findings from this site and are studied with the aim of introducing, interpreting, and analyzing the stylistic features of their designs, and comparing them with the designs of seals obtained from other contemporary settlements. This is to investigate the roots of social and economic developments in Tepe Hissar and its intra-regional and extra-regional connections with other communities. In this regard, the background of cultural developments in the fourth millennium BC, with an emphasis on administrative management techniques in north-central Iran, is first examined, and then the seals from the Tepe Hissar excavations are introduced and interpreted. The motives of the Tepe Hissar seals have the greatest similarity to the style of seals known at Tepe Sialk in the fourth millennium BC. They also have similarities with the seals of Susa in southwestern Iran and Mesopotamia, likely due to the rich metal ore deposits on the edge of the central desert of Iran and the transfer of these resources and goods produced in the workshops of ancient sites in north-central Iran, including Tepe Hissar, to southwestern Iran and southern and northern Mesopotamia. The existence of close cultural ties and the similarity of cultural remains among the communities living in north-central Iran and the trade network with southwestern Iran and Mesopotamia are evidence of societies with a stratified structure on the verge of entering the urbanization period. Consequently, they possessed social and political mechanisms and complexities, which are observed on the seals.

Keywords: Northeast Iran, Tepe Hissar, Stamp Seals, Chalcolithic Period

<https://doi.org/10.22034/JINM.2025.2053681.1101>

© 2025 Iran National Museum. All rights reserved

گونه‌شناسی مهرهای مسطح تپه حصار دامغان

روح‌الله یوسفی زشک* و پریسا نکویی**

چکیده

از شاخص‌ترین ویژگی‌های دوره مس و سنگ، ساخت و استفاده از مهرهای مسطح یا استامپی است. مهرها از جمله یافته‌های شاخص در بررسی و کاوش‌های باستان‌شناسی هستند که علاوه بر ویژگی‌های ساختاری، ظاهری و گونه‌شناسی و نیز از لحاظ پیدایش، کاربرد، ارزش‌های هنری و فرهنگی دارای اهمیت بوده، به‌طوری که از آن‌ها به عنوان مدارکی اصیل در بازسازی تاریخی، فرهنگی جوامع پیش از تاریخ یاد می‌کنند. مهرها به عنوان یکی از کارابزارهای اصلی فن مدیریت اداری و یکی از ویژگی‌های جوامع انسانی پیش از تاریخ با ساختار پیچیده هستند، که گواه نظارت گروهی از افراد جامعه بر امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. در میان آثار به‌دست آمده از کاوش‌های تپه حصار دامغان که در دهه ۳۰ میلادی به سرپرستی اربش اشمیت صورت پذیرفت، تعداد قابل توجهی مهر مسطح مربوط به دوره مس و سنگ یافت شد. مهرهای مسطح تپه حصار، از جمله یافته‌های مهم این محوطه هستند که با هدف معرفی، تفسیر و تحلیل سبک‌شناختی نقوش مهرها و مقایسه آن‌ها با نقوش مهرهای به‌دست آمده از دیگر استقرارهای هم‌افق، به منظور بررسی ریشه‌های تحولات اجتماعی و اقتصادی تپه حصار و ارتباطات درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای این محوطه با دیگر محوطه‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در این راستا، ابتدا پیشینه تحولات فرهنگی هزاره چهارم پیش از تاریخ با تأکید بر فن مدیریت اداری در منطقه شمال مرکزی ایران بررسی شده و سپس مهرهای مربوط از کاوش‌های تپه حصار معرفی و تفسیر شده‌اند. در نتیجه مشخص شد که نقش مهرهای تپه حصار بیشترین شباهت را با سبک مهرهای شناخته شده در تپه سیلک در هزاره چهارم پیش از میلاد دارد و از طرفی شباهت‌هایی نیز با مهرهای شوش در جنوب غرب ایران و بین‌النهرین دارد که به احتمال به سبب وجود معادن غنی کانسارهای فلزات در حاشیه کویر مرکزی ایران و نیز انتقال این منابع و کالاهای تولید شده در کارگاه‌های صنعتی محوطه‌های باستانی شمال مرکزی ایران از جمله تپه حصار به جنوب غرب ایران و جنوب و شمال بین‌النهرین بوده است. وجود ارتباط نزدیک فرهنگی و همانندی بقایای فرهنگی در میان جوامع ساکن در شمال مرکزی ایران و شبکه ارتباط تجاری با منطقه جنوب غرب ایران و بین‌النهرین، گواه جوامعی با ساختار طبقاتی است که در آستانه ورود به دوره شهرنشینی بوده و در نتیجه دارای سازوکارهای و پیچیدگی‌های اجتماعی و سیاسی است که نمود آن روی مهرها مشاهده شده است.

واژگان کلیدی: شمال شرق ایران، تپه حصار، مهرهای مسطح، دوره مس و سنگ.

* دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پیشوا، ورامین rouhollah.yousefi@iauvaramin.ac.ir

** دکتری باستان‌شناسی پیش از تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.

مقدمه

در اواخر دوره نوسنگی، فرهنگ جدیدی در مناطق مختلف فلات ایران رواج یافت که به نام فرهنگ مس و سنگ نام‌گذاری شده است. این فرهنگ عمدتاً براساس شاخص‌ها و تحولات فناورانه تبیین شده و در مناطق مختلف فلات ایران با نسبت‌های گوناگون، گسترش یافته است (طلایی ۱۳۹۰: ۴۹). در منطقه شمال مرکزی ایران، کاوش در پنج محوطه باستانی تپه سیلک کاشان، تپه قبرستان دشت قزوین، تپه حصار دامغان، تپه ازبکی کرج و تپه اریسمان نطنز اطلاعات ارزشمندی درباره دوره مس و سنگ در این منطقه، فراهم می‌نماید. در کاوش‌های انجام‌شده در تپه حصار دامغان، در استان سمنان، آثار و شواهدی از دوره مس و سنگ شناسایی شده که در این میان، مهرها و اثرمهرها که یکی از کارابزارهای اصلی فن مدیریت اداری هستند، ارزش قابل توجهی دارند.

مقاله حاضر در نظر دارد که با هدف مطالعه این کارابزارها به پرسش‌های مهمی که در این پژوهش به آن‌ها پرداخته شده است پاسخ دهد: مهرهای تپه حصار به لحاظ گونه‌شناسی چه اشکالی را شامل می‌شود؟ نقش‌مایه‌های به کار رفته روی مهرهای تپه حصار چه موضوعاتی را دربرمی‌گیرند؟ تغییر در گونه‌ها و نقش‌مایه‌های مهرهای تپه حصار تحت‌تأثیر چه عواملی رخ داده است؟ پاسخ بدین پرسش‌ها، بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است و نویسندگان تلاش دارند تا تحولات ساختار اجتماعی، اقتصادی جوامع انسانی پیش از تاریخ شمال مرکزی ایران را با تأکید بر فن مدیریت اداری و پردازش اطلاعات مورد بررسی قرار دهند. بدین منظور ابتدا مهرهای مسطح یافت‌شده از کاوش‌های تپه حصار براساس جنس، گونه، نقش‌مایه و بافت یافت شده مورد طبقه‌بندی و گونه‌شناسی قرار گرفتند و در ادامه با مهرهای مشابه از دیگر محوطه‌های هم‌زمان مقایسه شدند و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند، تا از این طریق به روشن شدن وضعیت ارتباطات بین این محوطه‌ها بتوان پی برد.

پیشینه پژوهشی

نقوش روی مهرها و اثرمهرها نشان‌دهنده فرهنگ بصری مردمان جوامع باستان است. با مطالعه مهرها، مشخص شده است که آن‌ها کاربرد گسترده‌ای به عنوان ابزارهای مدیریتی و اقتصادی داشتند و بخشی از توسعه سیستم ثبت و ضبط در هزاره پیش از نگارش بودند. به طور کلی، سبک و نقش تصاویری که روی مهرها کنده می‌شد، می‌توانست به عنوان شکل پیام در فرآیند انتقال اطلاعات محسوب شود (Rothman 1994: 99). همین قابلیت شکل‌نگاری که روی گل به منظور ذخیره و انتقال اطلاعات صورت می‌گرفت، حالتی است که این اعمال را به عنوان کنش مدیریت اداری توصیف می‌کند. نکته حائز

اهمیت این است که مهرهای مورد استفاده در دوره‌های مختلف همانند نبوده‌اند و نسبت به هر فرهنگ یک مجموعه‌ای از تصاویر تجریدی و طبیعت‌گرایانه یا جانوری در شکل مهر ایجاد می‌شد که باید متناسب با رفتارهای ایدئولوژیک مردمان هر جامعه توضیح داده شوند (سرداری ۱۳۸۴: ۷۷). از دیدگاه سبکی نیز می‌توان یک میزانی از تشابه در حوضه اشتراک نمادین در بین جوامع صاحب مهر بیان کرد. از همان آغاز این اشتراک نمادین در یک سیستم ایدئولوژی مشترک نمود یافته، که برای نخستین بار موجب ایجاد ارتباط بین نخبگان خان سالارهای مستقل در دوره پیش از تاریخ فراهم آورده است. در واقع این سیستم نمادین مشترک، روابط بین مناطق مختلف در بین‌النهرین بزرگ را که در هنر مهرسازی بازتاب می‌یافته، توصیف می‌کند (Pittman 2001: 406).

از آنجا که مهرها ابتدا به عنوان اشیاء شکلدار مطالعه شده بودند، پژوهشگرانی همچون فرانکفورت مهرها را بر اساس شکل و نقش آن‌ها مطالعه و در یک کاتالوگ طبقه‌بندی کرد. مدت‌ها بعد مهرهای استامپی نیز چنین شیوه‌ای را تجربه کردند و در سال ۱۹۹۰ در یک کاتالوگ گردآوری شدند. تا اوایل سال‌های ۱۹۷۰ تکه‌های گلی مهر شده که در کاوش‌های باستان‌شناسی پیدا می‌شدند برای باستان‌شناسان تنها از نظر هنری اهمیت داشتند. به همین دلیل باستان‌شناسان این مدارک را برای مطالعه نقش مهر آن‌ها بلافاصله در اختیار تاریخ‌نگاران هنر قرار می‌دادند. اما پس از اینکه انریکا فیاندرا و همکارانش به بررسی و مطالعه اثر سطوحی که تکه‌های گلی بر آن‌ها نصب شده بود، پرداختند، اهمیت چنین مدارکی در بازسازی نظام‌های اقتصادی و اداری دنیای باستان آشکار شد. چنانکه امروزه اثرمهر از مهمترین مدارک باستان‌شناختی به شمار می‌رود و با مطالعه اثر پشت آن‌ها و توزیع مکانی‌شان می‌توان ویژگی‌هایی از جوامع باستان را بازسازی کرد که در گذشته بر ما پوشیده بوده است (بوسفی ۱۳۸۹: ۱۱۸). مهرها و اثرمهرها از جمله یافته‌های فرهنگی هستند که به دست باستان‌شناسان می‌رسند و از طریق آن‌ها می‌توان تا حدودی سازوکارهای نظارتی در نظام مدیریتی و ثبت و ضبط اطلاعات را شناسایی کرد. روابط اجتماعی و اقتصادی در جوامعی که از مهرموم در مدیریت استفاده می‌کنند، فراتر از پیوندهای خویشاوندی است. وجود مهرموم بیانگر زوال روابط خویشاوندی به‌خصوص در امور اقتصادی و سیاسی است که یک پیشرفت ضروری در فرآیندهای تحولی جوامع پیچیده نخستین است (Alizadeh 1994: 51). یکی از عوامل ظهور و رشد چنین رفتاری، افزایش مازاد محصول و شکل‌گیری حرفه‌هایی است که متخصصانی به آن‌ها مشغول‌اند. شکل‌گیری و ظهور قشر و طبقه برتر، از ویژگی‌های جوامع طبقاتی ساده است. تاکنون شواهد چنین جوامعی در دوره مس و سنگ در فلات مرکزی

شناسایی و کاوش شده است. در سال ۱۹۷۶، پروژه بازننگری تپه حصار با رویکرد مطالعات میان‌رشته‌ای، توسط موزه دانشگاه پنسیلوانیا، دانشگاه تورین ایتالیا و مرکز تحقیقات باستان‌شناسی به سرپرستی رابرت دایسون و همکارانش انجام شد. دایسون توالی زمانی حصار را به شش مرحله تقسیم کرد و با حروف لاتین از بالا به پایین از A تا F شماره‌گذاری کرد. لایه‌های F و E مطابق با دوره I و IIA اشمیت است و بازه زمانی حدود هزاره پنجم تا ۳۶۰۰ پیش‌ازتاریخ را دربرمی‌گیرد؛ لایه D مطابق با دوره IIB و بازه زمانی حدود ۳۶۰۰ تا ۲۹۰۰ پیش‌ازتاریخ؛ لایه C و B مطابق با دوره IIIB و بازه زمانی ۲۶۰۰ تا ۲۲۰۰ پیش‌ازتاریخ و لایه A مطابق با دوره IIIC و بازه زمانی ۲۱۰۰ تا ۱۷۰۰ پیش‌ازتاریخ را شامل می‌شود (Dyson and Lawn 1989: 143). پس از یک وقفه زمانی، مطالعه و بررسی تپه حصار در سال ۱۳۷۴ توسط اسماعیل یغمایی از مرکز تحقیقات باستان‌شناسی ایران آغاز شد. وی کاوش‌های نجات‌بخشی را در این محوطه آغاز کرد. پس از آن در سال ۱۳۸۵ کاوش در تپه حصار توسط کوروش روستایی انجام شد (Roustaei 2010: 613). در سال‌های اخیر نیز آقایان اندرونی و میبیدی به مطالعه معماری تپه حصار پرداختند (اندرونی و میبیدی ۱۴۰۰).

مهرها و اثرمهرهای تپه حصار

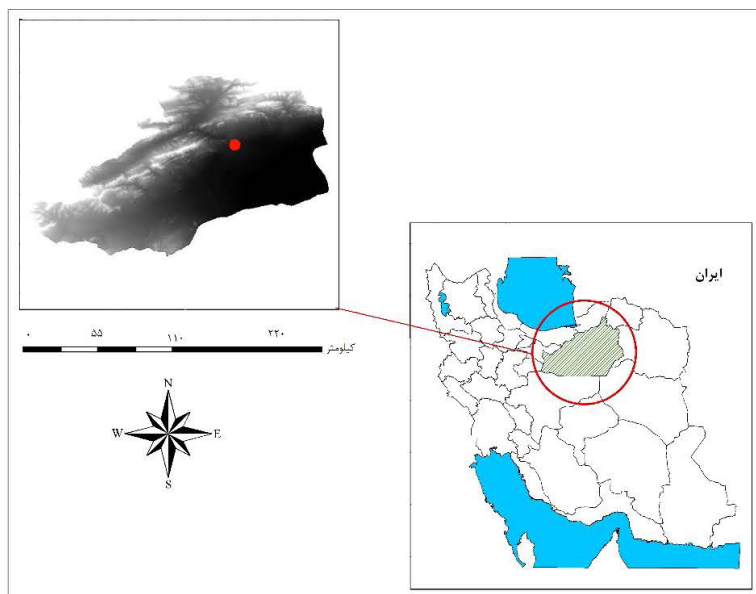
اشمیت در طی کاوش‌های باستان‌شناسی در سال‌های ۱۹۳۱-۱۹۳۲ میلادی، تعداد ۱۲۲ مهر مسطح را در تپه حصار شناسایی کرده است. مهرهای تپه حصار شامل ۷۳ مهر است که در گزارش سال ۱۹۳۷ منتشر شده و تعداد ۲۶ مهر که در گزارش مقدماتی ۱۹۳۳ بدان‌ها اشاره شده و نیز تعداد ۹۳

از چند محوطه شناسایی شده‌اند. در تعدادی از این محوطه‌ها، از جمله تپه قبرستان، قره تپه قمرود، تپه سیلک جنوبی، تپه حصار و تپه آلو شواهد فن مدیریت اداری به‌صورت مهر و اثرمهر شناسایی شده است (مقیم‌ی و داودی ۱۳۹۹: ۲۳۴).

تپه حصار

محوطه باستانی تپه حصار دامغان با وسعت حدود ۱۲ هکتار در منطقه کویری فلات مرکزی ایران (نقشه ۱) و در فاصله ۲ کیلومتری جنوب‌شرق شهر دامغان و ۳۴۰ کیلومتری شرق تهران قرار دارد (Roustaei 2004: 223). این محوطه جزء نخستین محوطه‌های مهم باستانی ایران به شمار می‌رود که مورد کاوش باستان‌شناسی قرار گرفته است. تپه حصار نخستین بار در دهه ۱۹۳۰ شناسایی شد و در نهایت در سال‌های ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ میلادی توسط یک هیئت امریکایی از دانشگاه پنسیلوانیا، تحت سرپرستی اریش اشمیت کاوش شد. تپه حصار تپه کم‌ارتفاعی است که ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف فقط چند متر است و از چند برجستگی تشکیل شده است و اشمیت هر یک از آن‌ها را به نام‌های پهنه شمالی^۱، تپه اصلی^۲، پهنه سفال منقوش^۳، تپه سرخ^۴، تپه گنج^۵، تپه جنوبی^۶، تپه دوقلو^۷ و تپه ساسانی^۸ نام‌گذاری کرد (Schmidt 1937: 19). اشمیت سه طبقه اصلی را در تپه حصار براساس گونه سفال‌های کشف شده، مشخص کرد که هر طبقه شامل چند لایه باستانی است. قدیمی‌ترین و عمیق‌ترین طبقه تپه حصار، طبقه I است (تقریباً متعلق به ۳۵۰۰-۴۲۰۰ پیش‌ازمیلاد) که معرف نخستین اجتماع مستقر در این تپه است و خود دارای سه لایه (IA, IB, IC) است. طبقه II حصار از دو لایه فرعی (IIA, IIB) تشکیل شده و تقریباً همان محوطه‌ای را که دوران حصار I فرا گرفته را

می‌پوشاند. حصار III نیز خود به سه طبقه (IIIA, IIIB, IIIC) تقسیم می‌شود (Schmidt 1937: 19). براساس یافته‌های به‌دست آمده، قدیمی‌ترین لایه‌های تپه حصار به اواسط هزاره پنجم پیش‌ازتاریخ باز می‌گردد و استقرار در آن تا حدود سال ۱۷۰۰ پیش‌ازمیلاد به‌طور پیوسته و بدون وقفه استمرار داشته است (اشمیت ۱۳۹۱). همچنین بقایای یک کاخ ساسانی در حدود دویست متری جنوب‌غربی تپه اصلی



نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی تپه حصار در استان سمنان.

1. North Flat
2. Main Mound
3. Painted Pottery Flat
4. Red Hill
5. Treasure Hill
6. South Hill
7. Twins
8. Sassanian Mound

دستان خود را بالا بردند؛ نقش یک بزکوهی و مار نیز در گوشه مهر دیده می‌شود. این مهر مخروطی از زباله دانی متعلق به لایه IC-IIA به‌دست آمده است (Schmidt 1937: 54). در دوره II حصار همزمان با پیشرفت در زمینه کیفیت و کمیت اشیاء، ساخت و استفاده از مهرهای مسی نیز رایج می‌شود. یکی دیگر از مشخصه‌های مهرهای دوره IIA حصار، اندازه بزرگ آن‌ها و نقش‌مایه هندسی است؛ مهر H1176 در کنار اسکلت و ظروف سفالی متعلق به مجموعه سفال‌های نوع حصار II به‌دست آمده است. مهر دیگر در زباله‌دانی به‌دست آمده که هر دو دارای نقش صلیب پرشده هستند (Schmidt 1937: 118). برخلاف مهرهای دوره I و II حصار که همگی از نوع مسطح بودند، در دوره III حصار، مهرهای استوانه‌ای رایج می‌شود. در کنار آن‌ها، مهرهای مسطح نیز از لایه IIIB و IIIC شناسایی شده است. ۳ نمونه مهر استوانه‌ای از این دوره در تپه حصار شناسایی شده است که اشمیت آن‌ها را متعلق به حصار IIIB نسبت داده است و معتقد است که آن‌ها از مناطق فرهنگی دیگر و به احتمال از بین‌النهرین (H892, H3710) یا ایلام (H116) وارد این منطقه شده‌اند (Schmidt 1937: 197). مهر استوانه‌ای H116 در انباشت زباله ساختمان ۲ (DG10) و مهر استوانه‌ای H892 در قطعه DF19 همراه با گروهی از تدفین‌ها شناسایی شده است (Dyson & Remsen 1989: 78). هر دو این مهرها از جنس مرمر/کلسیت با نقوش انسانی و جانوری هستند. نقش مهر استوانه‌ای H116 طرحی شبیه درخت است که دارای دو شاخه در بالا و خطوطی در دو طرف تنه است. یک گاو با شاخ‌های خمیده در جلوی درخت ایستاده، در زیر گردن گاو یک نقش صلیب مربع قرار دارد (Schmidt 1937: 199). نقش مهر استوانه‌ای H892 شخصی را نشان می‌دهد که دست خود را در مقابل جانوری بلند کرده و در حال کشیدن ارابه است، روی ارابه نفر دوم ایستاده است (Schmidt 1937: 199). سومین مهر استوانه‌ای در قطعه CH96 یافت شده است. جنس این مهر از سنگی به رنگ سیاه و کرم رنگ است. نقش روی مهر دو چهارپا و گروهی از پرندگان را نشان می‌دهد (Schmidt 1937: 199). ویژگی دیگر مهرهای لایه III تپه حصار مهرهای است که از مس ساخته شده‌اند. آن‌ها مهرهای مسطح با کف گرد یا مستطیل با دسته سوراخ‌دار هستند (H2698-H2697-H3515-H4886). نوع دیگر این مهرها، مهرهای مدالیون هستند که شبیه آویز هستند. هر دو گروه این مهرها نقش جانوران در هم تنیده داشتند (Schmidt 1937: 199). از دوره III حصار یک نمونه مهر (H2699) به شکل دایره و دارای دسته سوراخ‌دار پیدا شده است که طرح یک بزکوهی را به نمایش گذاشته است. این مهر بدون شک متعلق به دوره IIIB حصار است (Schmidt 1937: 200).

تعداد سه اثرمهر روی گل رس در زباله‌دانی دوره حصار IIIC پیدا شده است. اثرمهر شماره H1851 با طرح جانوران

مهری که در آرشیو موزه دانشگاه است و منتشر نشده است. از این تعداد، کاوشگران ۱۶۰ مهر را متعلق به دوره حصار، ۱۳ مهر را از دوره حصار II و ۱۹ مهر را از دوره حصار III تشخیص دادند (Bennett 1989: 127). از مهرهای منتشر شده در سال ۱۹۳۷، بیشتر نمونه‌ها مربوط به دوره‌های I و II حصار است که از داخل گورها یافت شده‌اند. دو انباشت دیگر از تدفین‌های حاوی مهر در داخل محوطه یافت شده است؛ اولی در قطعه EH 13 و دیگری در انباشت‌های (DH 34.35.36.43.44.45.46). از ۹۵ نمونه مهرهای دوره I و II حصار که توسط اشمیت گزارش شده است، بیست و یک مهر در قسمت EH 13 و ۵۴ مهر در مناطق DH یافت شده است. ۲۰ مهر باقی مانده بدون الگوی خاصی در سراسر محوطه پراکنده شده‌اند. محل یافت شدن مهرهای دوره حصار III که اشمیت به ۱۹ مورد آن‌ها اشاره می‌کند، در پهنه شمالی، تپه اصلی، تپه گنج و تپه جنوبی است. از ۵ مهر یافت شده در پهنه شمالی (CF 37,47,57)، تنها سه مهر در ساختمان سوخته یافت شده است. مهرهای دوره III معمولاً در تدفین‌ها یافت نشده، به استثنای مهرهای H3515 و H4886 که هر دو مسی هستند (Bennett 1989: 127).

در بررسی اولیه، اشمیت مهرهای تپه حصار را به دلیل کمبود نقش، زیورآلات تشخیص داده و مهرهای استوانه‌ای طبقه III حصار را مشابه مهرهای استوانه‌ای بین‌النهرین دانسته است (Schmidt 1937: 309). در گزارش طرح بازنگری تپه حصار توسط دایسون، بنت لسللی مهرهای تپه حصار را به لحاظ نقش‌مایه به ۱۵ دسته طبقه‌بندی می‌کند، هرچند که از لحاظ گونه‌شناسی مطالعاتی انجام نمی‌دهد (Dyson & Lawn 1989: 127-130). کوروش روستایی نیز در گزارش‌های ارائه شده‌اش از کاوش در تپه حصار، به طور اختصار تنها به جنس مهرهای یافت‌شده اشاره می‌کند. به طور کلی بجز مقاله‌ای که توسط رضایی و همکارانش (رضایی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱) در ارتباط با گونه‌شناسی و شمایل‌نگاری مهرهای تپه حصار نگاشته شده، تاکنون پژوهش مستقلی در رابطه با مهرهای تپه حصار انجام نشده است.

همانطور که ذکر شد اشمیت، مهرهای دوره I تپه حصار را به سبب اندازه کوچک، ساده و یافت شدن آن‌ها در داخل قبور، جزء زیورآلات افراد به شمار آورده است. ۶ نمونه از این مهرها بر روی سینه و در کنار بازو اسکلت‌ها بدست آمده‌اند. این مهرها از سنگ آهک، گل پخته، خمیر شیشه و گچ ساخته شده‌اند (Schmidt 1937: 55, H4449). مهرها دوره I حصار اکثراً متعلق به لایه حصار IB و IC است. نقوش روی مهرهای این دوره اغلب هندسی است. نقوش هندسی در ترکیب‌های ساده و پیچیده به کار رفته است. تنها یک نمونه مهر با نقش غیرهندسی گزارش شده است (Schmidt 1937: Plate XCI). مهر H20 با نقش دو انسان با نسبت قدی متفاوت است که

۲۶۴، لوح ۸۶: طرح ۷۸)، مهر مدور با نقش زیگزاگ و مثلث فرورفته (جدول ۱، شماره ۲) در دوره مس و سنگ میانه (۴۰۰-۳۷۰۰ پیش از میلاد) در تپه سیلک جنوبی (گیرشمن ۱۳۷۹: ۲۶۴، لوح ۸۶: طرح ۲۳۲) و مهر با نقش دو نیمه خطوط موازی و افقی و عمودی (جدول ۱، شماره ۳) در دوره سیلک III (گیرشمن ۱۳۷۹: ۲۶۴، لوح ۸۶: طرح ۲۵۹-۱۱۷)، در تپه سیلک و در تپه قبرستان (Majidzadeh 2008: 125, Fig.55: 5) مشاهده شده است (رضایی و دیگران ۱۴۰۲: ۱۸). به رغم شباهت فراوان مهرهای مسطح دو محوطه حصار و سیلک، به نظر می‌رسد، از نظر شکل ظاهری تفاوت‌هایی میان آن‌ها دیده می‌شود، در شکل پشت مهرهای تپه سیلک دسته‌های کوچک و تقریباً مسطح با سوراخ وجود دارد که ظاهر دکمه‌ها را نشان می‌دهد (Bennett 1989:129)، در حالی که مهرهای مسطح تپه حصار ابعاد کوچکتری نسبت به آن‌ها داشته است. نقش صلیب پرشده با خطوط زاویه‌دار موازی (جدول ۱، شماره ۴-۵) از دیگر نقوش رایج در دوره مس و سنگ است که روی مهرهای تپه حصار (H3712) دوره حصار IIA (اواخر مس و سنگ)، در دوره I شوش (۳۵۰۰-۴۰۰۰ پیش از میلاد)، در تپه سیلک (گیرشمن ۱۳۷۹: ۲۶۴، لوح ۸۶: طرح ۴۱۷) و مهر سنگی یافت شده از دوره عبید در بین‌النهرین متعلق به ۳۷۰۰ - ۵۹۰۰ پیش از میلاد، مشاهده شده است.

در دوره II حصار همزمان با پیشرفت در زمینه کیفیت و کمیت اشیاء، ساخت و استفاده از مهرهای مسی نیز رایج شده است. نمونه‌های مشابه مهرهای این دوره از آکروپول و شهر شاهی در شوش، گودین تپه، ملیان، تپه یحیی (IVC) و نیز در یافته‌های سطحی شهر سوخته گزارش شده است. نمونه مهرهای استوانه دوره III حصار از بین‌النهرین و ایلام شناسایی شده است. مهرهای یافت شده در محوطه شهر سوخته ارتباط زیادی با مهرهای یافت شده از تپه حصار را نشان نمی‌دهد. مهرهای شهر سوخته از لحاظ شکل بسیار متفاوت هستند: مدور، مربع، مستطیل یا غالباً در اشکال غیرمعمول هستند که به نمونه مهرهای شناسایی شده در ترکمنستان شباهت دارند (رضایی و دیگران ۱۴۰۲: ۱۸). در رابطه با بافت مهرهای کشف شده از تپه حصار باید بدین نکته توجه اشاره کرد که مهرهای دوره I و II حصار اغلب از بافت قبور و مهرهای حصار III اغلب از بافت معماری یافت شده‌اند (Bennett 1989: 128). با توجه به گونه‌شناسی مهرهای تپه حصار مشخص شد که مهرهای تپه حصار بیشترین شباهت را با مهرهای تپه سیلک در فلات مرکزی ایران دارد و با مهرهای مناطق شمال، شمال شرق یا جنوب شرق ارتباط چندانی ندارند (Bennett 1989:130). عناصر مشابه در نقش‌مایه‌های مهرهای تپه حصار با مهرهای تپه سیلک، اشاره به ارتباط گسترده بین محوطه‌های مذکور در دوره مس و سنگ دارد (طلایی ۱۳۹۸: ۶۵).

درهم تنیده است؛ این نقش اغلب روی مهرهای این دوره مشاهده می‌شود (Schmidt 1937: 198, Fig.118)، اثرمهر شماره H1850 دارای دو اثرمهر است که به گمان با یک مهر ایجاد شده است؛ نقش روی اثرمهر دو جانور پشت به هم را نشان می‌دهد (Schmidt 1937: Plate. XLIX)، اثرمهر شماره H1852 با نقش یک دایره کوچک با طرح نامشخص است (Schmidt 1937: Plate. XLIX)، اثرمهر دیگری به شماره H5278b نسبت به اثرمهرهای ذکر شده پخته شده است و طرح ناقص مردی با یک دست افراشته و جانوری که پشت آن به سمت لبه مهر است، را نشان می‌دهد (Schmidt 1937: Plate. XLIX).

گونه‌شناسی مهرهای تپه حصار

روی مهرها و اثرمهرها نقوش مختلفی دیده می‌شود که گواه ذوق و سلیقه مردمان جوامع باستانی است. تزیین و پردازش نقوش در میان اقوام مختلف دارای سبک و سیاق خاص خود بوده است و همین امر باعث تمایز هنری اقوام مختلف از یکدیگر می‌گردد که از اعتقادات و بینش آن‌ها برخاسته است (یوسفی ۱۳۸۹: ۲۰۲). امروزه باستان‌شناسان معتقدند که انسان‌ها تنها به محیط اطرافشان برای عادات معیشتی وابسته نیستند بلکه آن‌ها همچنین با جنبه‌های روحانی، غیرمادی، هنری و اجتماعی دنیای اطرافشان نیز درگیر و مواجه هستند. شکلگر پیش از تاریخ، گرایش به تقلید از ظواهر عینی اشیاء و موجودات نداشته است. او برای رساندن مفهومی خاص، به نمایش چند ویژگی اساسی و بازشناختی از چیزها بسنده می‌کرد. بدین‌سان پدیده‌های واقعی برحسب ذهنیت شکلگر به نشانه‌های رمزی تبدیل می‌شدند (یوسفی و دیگران ۱۳۹۲: ۱۴).

به‌طور کلی مهرهای تپه حصار از لحاظ فرم و شکل به هشت گروه طبقه‌بندی شده‌اند که عبارتند از: بیضی، چندضلعی، مدور، دکمه‌ای، مخروطی، مستطیلی، مربع، مدالی، غیرمعمول و نامشخص (رضایی و دیگران ۱۴۰۲: ۸). نقش‌مایه‌های مهرهای تپه حصار در ۱۲ گونه مختلف طبقه بندی شده است که عبارتند از: صلیب، طرح دو نیمه، شیار، خطوط موج و زیگزاگ، اشکال هندسی، چرخشی، شطرنجی، نقوش جانوری، نقوش ترکیبی هندسی، انسانی و جانوری و اشکال نامفهوم و غیرمعمول و نیز مهرهای بدون نقش است (همان: ۱۲).

با توجه به مطالعه گونه‌شناسی مهرهای تپه حصار مشخص شده که مهرهای اولیه تپه حصار شباهت زیادی با مهرهای تپه سیلک کاشان دارد و تقریباً نقش هندسی موجود روی این مهرها، بر روی نمونه مهرهای تپه سیلک نیز مشاهده می‌شود؛ به عنوان مثال مهرهای مدور با نقش زیگزاگ موازی (جدول ۱، شماره ۱) در دوره سیلک III (گیرشمن ۱۳۷۹:

شماره	مهرهای تپه حصار	نمونه‌های قابل مقایسه
۱	مهر مدور مسطح دسته‌دار، تپه حصار JB سنگ صابون. Schmidt, 1937, Plate XXVIII: H4414	سیلک III، گیرشمن، ۱۳۷۹: ۲۶۴، لوح ۸۶: طرح ۷۸
۲	مهر مدور مسطح دسته‌دار، حصار IC سنگ آهک، تدفین DH36X-15 Schmidt, 1937, Plate. XV: H3829-H4602	سیلک III، گیرشمن، ۱۳۷۹: ۲۶۴، لوح ۸۶: طرح ۲۳۲
۳	مهر مستطیل مسطح، حصار، خمیر شیشه، انباشت DG 69X-2 Schmidt, 1937, Plate. XLIX: H4646-H4392	سیلک III، گیرشمن، ۱۳۷۹: ۲۶۴، لوح ۸۶: طرح ۲۵۹-۱۱۷ قبرستان، Majidzadeh, 2008, 125, Fig.55:5
۴	مهر مدور مسطح دسته‌دار، حصار JIA سنگ آهک، Schmidt, 1937, Plate. XXVIII: H3712-Plate. XV: H3364	شوش I، سیلک III، گیرشمن، ۱۳۷۹: ۲۶۴، لوح ۸۶: طرح ۴۱۷
۵	مهر مدور مسطح دسته‌دار، حصار، زیاله CG25، سنگ صابون، Schmidt, 1937, Plate.XV: H4447-H4443-H4504	سرخ دم لری (طلایی)، ۱۳۹۸، (۷۰)، سیلک III، گیرشمن، ۱۳۷۹: ۲۶۴، لوح ۸۶: طرح ۸۵

شکل ۱. نمونه مهرهای تپه حصار

سنگ جدید وارد مرحله جدیدی شد. تغییر تکنیک سفال و انتقال از سفال منقوش به سفال خاکستری، ظهور مهرها، الواح و زتون‌های گلی، تغییر چشمگیر در سبک معماری و افزایش قابل توجه فعالیت‌های اقتصادی. یافته‌های تپه حصار و دیگر محوطه‌های همزمان نشان می‌دهد که جوامع انسانی در شمال مرکزی ایران در اواسط هزاره چهارم پیش‌ازمیلاد به آن سطح از پیچیدگی‌های اجتماعی و سیاسی رسیده بودند که ساختاری طبقاتی و شاید خان‌سالاری بصورت واحدهای سیاسی منطقه‌ای داشته باشند. این جوامع در دوران آغاز شهرنشینی که ریشه در جنوب غرب ایران دارد، بیشتر ویژگی‌های یک جامعه پیچیده برای تحول به ساختار حکومتی را داشته است. از طرفی تشابهات در سنت‌ها و سبک‌های سفالی این محوطه با فلات مرکزی ایران و بخش‌های شرقی زاگرس مرکزی گواه روابط فرامنطقه‌ای ساکنان در نیمه هزاره چهارم پیش‌ازمیلاد است. در واقع می‌توان چنین بیان داشت که برهمکنش‌های فرهنگی این محوطه با مناطق نامبرده، در قالب مبادلات کالاها با مناطق دوردست بوده است. در این زمان، یک نظام پیچیده با مراکز شهری در جنوب غربی ایران

بحث

در گستره جغرافیای فلات ایران، پیدایش و پراکنش مهرها در جوامع پیش از تاریخ، آگاهی‌های ارزشمندی در زمینه مالکیت، انتقال اطلاعات، تجارت و فناوری ارائه می‌کنند. این آگاهی‌ها به همراه تجزیه و تحلیل دیگر یافته‌های باستان‌شناسی توانسته است ابعاد چند سویه فرهنگ‌های جوامع باستان فلات ایران را تا حد زیادی روشن سازد. استفاده از مهر در هزاره چهارم پیش‌ازمیلاد در بیشتر مناطق فلات ایران رواج داشته است. این دوران نقطه اوج چندهزاره توسعه فرهنگی پیش از تاریخ به شمار می‌آید. در واقع پس از فروپاشی فرهنگ‌های نوسنگی، دوران مس و سنگ در یک تسلسل و توالی لایه‌نگاری فرهنگی با ویژگی‌های فرهنگی متفاوت، ظهور و بروز یافته است. تحولات فرهنگی و اجتماعی در دوره مس و سنگ، روند رو به رشدی را با گسترش روابط منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سیر نموده است. یکی از شاخص‌ترین محوطه‌های دوره مس و سنگ در منطقه شمال مرکزی ایران، تپه حصار دامغان است که در اوایل هزاره چهارم پیش‌ازمیلاد همزمان با اواخر دوره مس و

شده‌اند که بیانگر گستره تجارت بازرگانی محوطه تپه حصار است. مهرهای تپه حصار از لحاظ گونه‌شناسی شباهت بسیار نزدیک در زمینه سبک‌شناسی، انتخاب‌گزینی عناصر تزئینی مهرها با نمونه‌های دوره III تپه سیلک دارد و دلالت بر وجود نظام تبادلات فرامنطقه‌ای است. شبکه‌های مبادلاتی درون منطقه‌ای و حتی برون منطقه‌ای با استفاده از نحوه پراکنش این یافته‌ها به راحتی قابل اثبات می‌باشد. در خارج از ایران نیز مهرهای تپه حصار، شباهت‌هایی با مهرهای بین‌النهرین و آسیای مرکزی را نشان می‌دهند. در واقع با پیشرفت تجارت در دوره مس و سنگ، تغییراتی در کیفیت جنس و نقوش مهرهای تپه حصار ایجاد شده است و در این تغییرات عامل ارتباط با اقوام دیگر و نیز تغییر تفکر مردمان بومی منطقه سهیم است.

سپاسگزاری

نویسندگان مراتب سپاس و قدردانی صمیمانه خود را از جناب آقای دکتر جبرئیل نوکنده، رئیس کل محترم موزه ملی ایران، ابراز می‌دارند که با مساعدت و همکاری ارزشمند خود، زمینه دسترسی به آثار و مهرهای تپه حصار را برای مطالعه و بررسی علمی فراهم ساختند. بی‌تردید بدون حمایت و اعتماد ایشان، انجام این پژوهش میسر نمی‌شد. همچنین صمیمانه از سرکار خانم ام‌البنین غفوری به خاطر مطالعه دقیق پیش‌نویس مقاله و ارائه نکات و پیشنهادها سازنده‌ای که در ارتقای دقت علمی و بهبود محتوای پژوهش نقشی مؤثر داشت، سپاسگزاری می‌کنیم. از سرکار خانم ریحانه لسانی گویا، امین اموال فرهنگی تاریخی موزه ملی ایران که با همکاری صمیمانه خود ما را در پیشبرد این پژوهش یاری رساندند سپاسگزاریم. در پایان، از دکتر فریدون بیگلری معاون امور فرهنگی موزه ملی ایران و دکتر یوسف حسن‌زاده رییس گروه پژوهش و همکارانشان و همچنین بخش مستندسازی موزه ملی ایران که با همکاری علمی و پشتیبانی اجرایی خود در تحقق این پژوهش سهیم بودند، قدردانی می‌شود.

منابع

- اشمیت، اریخ ۱۳۹۱ *کاوش‌های تپه حصار دامغان*، ترجمه: کوروش روستایی، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سمنان.
- اندرونی، الهام و مزگان آقایی میبیدی ۱۴۰۰ "واکوی معماری پیش از تاریخ در شمال شرق فلات ایران با تمرکز بر تحولات معماری بخش‌های مسکونی، آیینی تپه حصار دامغان"، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، ۱۱ (۲۸)، ۵۳-۷۰.

و جنوب بین‌النهرین شکل می‌گیرد که یکی از عوامل اصلی آن، انتقال و جابه‌جایی کالاها و جمعیت به مقیاس وسیع‌تر بوده است. این پیچیدگی‌های اجتماعی جدید از نظر کیفی و کمی با انواع ساختارهای متفاوت اقتصادی، مذهبی و سیاسی مشخص می‌شود. برخی محققان، ظهور قدرت‌ها و امتیاز نخبه‌ها را از مشخصه‌های اصلی جوامع پیچیده می‌دانند که از ابزارهای مختلف برای رهبری جامعه استفاده می‌نمایند. توسعه شبکه مبادلات گسترده یکی از ویژگی‌های بارز دولت-شهرها در بین‌النهرین است. دلیل این امر، فقدان مواد معدنی در دشت‌های جنوبی بین‌النهرین است. کالاهای نهایی تولید شده از نواحی غنی در شرق، از طریق بازرگانان به بین‌النهرین منتقل می‌شدند (Rothman & Badler 2011: 80). در این رابطه، موقعیت زمین‌شناسی تپه حصار به گونه‌ای است که بسیاری از منابع معدنی برای ساکنان در دسترس بوده است و وجود معادن غنی کانسارهای فلزات در حاشیه کویر مرکزی ایران و به احتمال انتقال این منابع و کالاهای تولید شده در کارگاه‌های صنعتی محوطه‌های باستانی فلات مرکزی از جمله تپه حصار به جنوب غرب ایران و جنوب و شمال بین‌النهرین، گواه تعاملات فرهنگی و تجاری این مناطق است (Roustaei 2004: 228). شباهت شکل و نقوش حکاکی‌شده مهرهای مسطح تپه حصار با دیگر محوطه‌های ذکر شده به‌ویژه تپه سیلک III، در زمینه نقش‌مایه مهرها و الگوی هندسی گواه ارتباطات گسترده بین محوطه‌های دوره مس و سنگ در منطقه شمال مرکزی ایران است. از طرف دیگر مهرها و اثرمهرهای کشف شده در تپه حصار، نشانگر فعالیت‌های اداری و گواه مبادلات درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای در طول هزاره سوم پیش‌ازمیلاد است. شباهت مهرهای استوانه‌ای تپه حصار نیز گواه ارتباط فرهنگی و تجاری این منطقه با بین‌النهرین در اواخر هزاره چهارم تا پایان هزاره سوم پیش‌ازمیلاد است.

نتیجه‌گیری

نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد که اغلب مهرهای تپه حصار از نوع مهرهای مسطح یا استامپی هستند و نقوش هندسی فراوان‌ترین نقش‌مایه حکاکی‌شده بر روی مهرها است. نقش‌مایه هندسی با کمیت‌های مختلف در تمام دوره‌های تپه حصار مشاهده شده است. نقش‌مایه‌های انسانی و جانوری تا دوره III حصار بندرت بر روی مهرها دیده شده‌اند و تنها یک نمونه با نقش انسان و جانور در دوره I حصار یافت شده است. با توجه به بازه زمانی حصار در دوره I (۳۰۰۰-۴۳۰۰ پیش‌ازمیلاد) به نظر می‌رسد در طول این دوره گرایش کمتری به تغییر در نقش‌مایه مهرها وجود داشته است. مهرهای حصار از سنگ‌ها و مواد متفاوتی ساخته شده‌اند که برخی از مواد بومی بوده و برخی دیگر از مناطق دیگر به محوطه وارد

ject, 1976, Casa editrice Le Lettere Firenze, 127-130.

Dyson, R. H. & B. Lawn

1989 "Key stratigraphic and radiocarbon elements for the 1976 Hesar sequence", *Tappeh Hesar: Reports of the Restudy Project*, p.143, 1976.

Dyson, R.H., & W.C.S. Remsen

1989 "Observations on Architecture and Stratigraphy at Tappeh Hesar". In R. H. Dyson, S. M. Howard(eds), *Tappeh Hesar: Reports of the Restudy Project, 1976*, Casa editrice Le Lettere Firenze, 69-109.

Madjidzadeh, Youssef

2008 *Excavations at Tepe Ghabristan, Iran*, Istituto italiano per l'Africa e l'Oriente.

Pittman, Holly

2001 "Mesopotamian Intraregional Relations Reflected through Glyptic Evidence in the Late Chalcolithic 1-1 Periods". In *Uruk Mesopotamia and its Neighbors: Cross – Cultural Interactions and their Consequence in the Era of State Formation*. Edited by Mitchell Rothman. 418 – 448. SantaFe: SAR Press.

Rothman, Mitchell

1994 *Seal and Sealing Findspots, Design, Audience and Function*. In Ferioli, P, Fiandra, E, Fisore, G and Frangipane, M, editors. *Archives before Writing*. Pp: 92 – 111. University di Roma.

Rothman, M. and V. Badler

2011 "Contact and Development in Godin Period VI". In: H. Gopnik and M. S. Rothman (eds.), *On the High Road: The History of Godin Tepe, Iran*, Toronto: Royal OntarioMuseum: 67-138.

Roustaiei, K.

2004 "Tappeh Hesar: A major manufacturing center at the central plateau", in Stollner, t & Slotta, r & Vatandoust, a.(eds) *persiac ancient splendor: mining, handicraft and archaeology*, deutsches bergbau-museum Bochom, Germani, 222-230.

2010 "Tape Hesar, Once Again", In P. Matthiae, F. Pinnock, L. Nigro, and N. Marchetti(eds), *Proceedings of the 6th International Congress on the Archaeology of the Ancient Near the Population of the Central Iranian Plateau, Tepe Hissar*, Durham Theses, Durham University.

Schmidt, E. F.

1937 *Excavations at Tepe Hissar Damghan*, University Museum by the University of Pennsylvania Press.

باستان‌شناس، دوره ۱۵(۲۹)، ۲۲-۱.

سرمداری زارچی، علیرضا

۱۳۸۴ فن مدیریت اداری و شکل‌گیری جوامع پیچیده در جنوب غرب ایران در هزاره چهارم ق.م، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران.

طلایی، حسن

۱۳۹۰ ایران پیش از تاریخ: عصر مس سنگی، تهران، سمت.

۱۳۹۸ مهر در ایران از آغاز تا صدراسلام، تهران، سمت.

گیرشمن، رومن

۱۳۷۹ سیلک کاشان، جلد اول، ترجمه اصغر کریمی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.

مقیم، نیلوفر و حسین داوی

۱۳۹۹ "شواهدی از فن مدیریت اداری طی هزاره چهارم ق.م در دشت قزوین"، *مجله علمی پژوهشی مطالعات باستان‌شناسی*، دوره ۱۲، شماره ۱، ۲۴۱-۲۲۱.

یوسفی، روح اله

۱۳۸۹ پیدایش نهادهای پیش حکومتی در فلات مرکزی، خان‌سالارهای آغاز ایلامی در تپه سفالین پیشوا، پایان‌نامه دکتری، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران.

یوسفی زشک، روح‌اله؛ ناهید نظاری و حجت‌اله احمدپور

۱۳۹۲ "شمایل‌شناسی نقوش مهرها و اثرمهرهای آغاز ایلامی تل ملیان: اولین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، خراسان جنوبی بیرجند، صص ۱۷-۱.

References

Alizadeh, A.

1994 "Administrative technology and socioeconomic complexity at the prehistoric site of Tall-e Bakun A, Iran". In: P. Ferioli, E. Fiandra, G. Fisore, and M. Frangipane (eds.), *Archives Before Writing, University di Roma, Proceedings of the International Colloquium, Oriolo Romano, Torino*: Scriptorium: 35-54.

Bennett, L.

1989 "The Seals of Tappeh Hesar, 1931-1932". In Dyson and Howard(eds), *Tappeh Hesar: Report of the Restudy Pro-*